

تفکر بهتر، اندیشه نیکوتر و ابزاری مجهزتر

فوتبال ورزشی محبوب و دوست داشتنی است. فوتبال ورزشی است که می تواند در بین همه رده های سنی و اقشار مختلف جامعه طرفداران خاص خود را داشته باشد. فوتبال در میان رشته های ورزشی از یک ویژگی خاص بهره می برد و آن فراگیر بودنش است. فراگیری فوتبال به حدی است که پیر و جوان، زن و مرد، کودک و بزرگ و همه و همه در شعاع جاذبه مغناطیسی سحر انگیز آن قرار می گیرند.

از این فراگیری و از عشق و علاقه ای که اقشار مختلف جامعه به این رشته ورزشی دارند چه بهره برداری هایی می توان به نفع جامعه کرد؟ آیا این همه وابستگی به فوتبال کاری صحیح و قابل قبول است؟

کسانی هستند که بر نقش فوتبال در پر کردن اوقات فراغت و سرگرمی محض و ... تاکید می کنند و افراد دیگری نیز در اطراف وجوه فرهنگی، اقتصادی، علمی، سیاسی و اجتماعی آن مانور می دهند. اگر بخواهیم از راه اصولی و منطقی با فوتبال برخورد کنیم باید هر دو وجه فوتبال را به نیکویی نگاه کرد تا بتوان اوضاع آن را در بهترین وضعیت کنترل و از رشد و گسترش حاشیه در اطراف آن ممانعت نمود.

آیا آنچه در سال های اخیر بر فوتبال ما گذشته است می تواند قابل قبول و قابل دفاع باشد؟ آیا فوتبال ما اسیر روزمرگی ها، بی خیالی ها، سهل انگاری ها و در برخی موارد اسیر خودخواهی ها و رفتارهای غلط و آزار دهنده نبوده است؟ آیا فوتبال ما بیمار نیست؟ آیا از این که امور مربوط به آن در ید قدرت عده ای محدود باشد و برای دیگران فرصت ابراز نظرات و پیشنهادات داده نشود می تواند کاری زیبا و پسندیده تلقی گردد؟

برخی ها معتقدند که بخشی از فوتبال استان ما اسیر باندهای مافیایی است ولی هیچوقت نخواسته اند و یا نتوانسته اند در این ارتباط توضیح بدهند و دایره نفوذ و عملکرد مافیا را مشخص بکنند و پرده ها را از چهره ها دور نمایند و برای همیشه فوتبال را از دامی که باندها برای آن تدارک می بینند رهاش بکنند؟ آیا در

فوتبال باشگاهی ما که در چهار سال اخیر بیشترین و بالاترین ضربات و لطمات را متحمل شده ردپایی از این باندهای مافیایی می توان پیدا کرد؟

فوتبال به دلیل پیچیدگی های خاص خود و شکنندگی ساختار آن کمتر مسؤولی را با موفقیت های متوالی روبرو کرده است. چه در سطح کلان و چه در بخش استان ها و شهرستان ها فوتبال همیشه بحث برانگیز ، چالشی و پردردسر بوده و مسؤلین آن به ندرت عاقبت به خیر شده اند.

چرا فوتبال همیشه با مشکلات دست و پنجه نرم کرده است؟ فوتبال در بیشتر موارد چوب خودی ها را خورده است. فوتبال را کسانی به خاک سیاه نشانده اند که در ظاهر خود را عاشق آن نشان داده اند ولی در باطن دست در دست آنهایی قرار داده اند که می توانند بزرگ ترین و جبران ناپذیرترین لطمات را بر پیکر آن وارد بکنند.

به هر حال در استان ما نیز فوتبال مشکلات خاص خود را دارد. گذشت زمان وجوه ریز و درشت آن را نمایان ساخته است و حال نوبت مسؤلین و تصمیم گیرندگان در مورد سرنوشت فوتبال است که بتوانند نقش خود را به خوبی ایفاء نمایند و راهی روشن و امیدوار کننده در پیش پای آن قرار بدهند.

شایسته نیست که برای سرپوش گذاشتن بر روی ضعف ها و کاستی ها از روش های غیر اصولی و غیر قابل قبول استفاده شود و یا انتقادهای انجام یافته حاصلی از افکار مسموم و دشمنی با این و آن تلقی شود و به خاطر فرار از جوابگویی ، بحث ها شخصی قلمداد شود.

کافی است که پذیرفته شود فوتبال اردبیل سر حال نیست و بر سر راه حرکت آن موانع متعددی است و اینجاست که باید آرزو بکنیم تا در روزی که می خواهند برای سرنوشت فوتبال استان تصمیم گیری نمایند رای دهندگان با تفکر بهتر، اندیشه نیکوتر و ابزاری مجهزتر گام در مجمع بگذارند و به جز سرنوشت فوتبال و آینده آن و سپردن امور به دست افراد لایق و کاردان به چیز دیگری فکر نکنند.